

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۷۲۷

ایسکرا

تلفن تماس با ما Tel:0046720077654

۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۳، ۱۴ مه ۲۰۱۴

سردبیر عبدالکلیان

تغییر سیاست پ.ک.ک و پژاک موفقیت یا شکست

گیرد زیرا تغییر سیاستهای پایه‌ای آنها تنها ناشی از موقعیت این سازمان نیست. تحولات سیاسی در پ.ک.ک گوشه‌ای از تحولات جنبش ناسیونالیسم کرد به طور کلی در منطقه است.

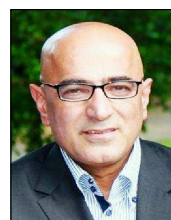
در چندسال اخیر تغییر سیاستهای پ.ک.ک و پژاک از گمانه زنی فراتر رفته و به مواضع رسمی و مصوب آنها تبدیل شده است. این تغییرات در سیاست و رویکرد پ.ک.ک و بخش ایرانی آن پژاک چرخشی در سیاست پایه‌ای آنها را نشان میدهد. این تحولات لازم است مورد بحث و بررسی قرار



محمد آسنگران

صفحه ۳

دو ابتکار مهم در سندج در گرامیداشت ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۹



نسان نودینیان

آنها در سندج دور هم جمع شده و بر مزار و سنگ مزاری نمادین، یاد و خاطره فرزندانشان را گرامی داشتند. این مراسم با حضور خانواده فرهاد و کیلی و دیگر اعدام‌شدگان در کنار آرامگاه پدر فرهاد برگزار گردید. این پنج فعال سیاسی سحرگاه روز یکشنبه، نوزدهم اردیبهشت‌ماه ۸۹، در زندان اوین به دار آویخته شدند. علیرغم گذشت ۴ سال از اعدام این فعالان سیاسی، مقامات امنیتی - قضایی از اعلام مکان دفن این زندانیان امتناع می‌کنند و پیگیری

مورد اول، در چهارمین سالگرد اعدام فعالین سیاسی فرزاد کمانگر، فرهاد و کیلی، شیرین علم‌هولی، علی حیدریان و مهدی اسلامیان در زندان اوین، تعدادی از خانواده‌های

صفحه ۲

اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق

پزشکان در اطلاعیه‌ای به تاریخ دوازدهم مه تحت عنوان: "جهت اطلاع پزشکان و عموم مردم"، نوشتند که اعضای تدارک کنگره پزشکان که پنج نفر هستند استعفای خود را اعلام می‌دارند. در این اطلاعیه آمده است که: "متأسفانه اتحادیه میهنی با این بهانه که لیست پزشکان اربیل ناروشن است و نمی‌توانند همکاری لازم را برای پروسه انتخابات انجام دهند، خواهان به تعویق انداختن انتخابات هستند.

شده است و ظاهراً اتحادیه میهنی تنها حزب در قدرت بود که انگار سرش بی کلاه مانده است. اتحادیه میهنی بیشتر اعلام کرده بود که اگر یکی از وزارت‌های امنیتی را به آنها ندهند در تشکیل دولت شرکت نخواهند کرد. این پیشنهاد حزب دمکرات از اینجا ناشی می‌شود که قبلاً دو وزارت دیگر، وزارت پیشمرگه و وزارت داخلی بین حزب دمکرات و جنبش گوران تقسیم شده بود. در ۲۳ سال گذشته حزب دمکرات و اتحادیه میهنی هر یک در حیطه مناطق تحت نفوذ خود ارگان‌های امنیتی را درست کرده اند و هیچکدام به آسانی نمی‌خواهند آنرا از دست بدهند، چرا که این ارگانها در سرکوب و تحت تقییب قرار دادن مخالفین خود نقش بسزائی داشته اند. اکنون بسیاری از مردم آنها را با نیروهای سرکوب دوران حکومت بعث مقایسه می‌کنند.

استعفای اعضای کنگره پزشکان سلیمانیه

اعضای تدارک کنگره پزشکان در شهر سلیمانیه استعفا دادند و اعلام کردند که اتحادیه میهنی مانع پروسه انتخابات آنها است.

صفحه ۲



تهیه و تنظیم: یدی محمودی
Yadi.mahmodi@gmail.com

پیشنهاد جدید حزب دمکرات بارزانی به اتحادیه میهنی برای توافق بر سر تشکیل دولت!

یکی از اعضای دفتر سیاسی اتحادیه میهنی که نخواستند نامش فاش شود، اعلام کرده که در آخرین پیشنهاد حزب دمکرات برای تشکیل دولت، گفته اند که دستگاه امنیتی (ناسایش) را به وزارت تغییر دهند و تحویل اتحادیه میهنی داده شود. این عضو رهبری اتحادیه میهنی اعلام کرده که آنها هنوز جواب پیشنهاد حزب دمکرات را نداده اند. لازم به ذکر است که اخیراً توافقاتی بین حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی، جنبش گوران، اتحادیه اسلامی و جمعیت اسلامی امضا

صفحه ۴

نگاه هفته: مجموعه‌ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان / نسان نودینیان

تسلیت: به یاد نقره کمانگر!

منطقه ثلاث ویاوچانی کرمانشاه در درگیری با نیروهای ضد انسانی جمهوری اسلامی ایران و در راه آزادی و برابری انسانها جان خود را از دست داد. من از صمیم قلب درگذشت این مادر عزیز و فداکار را به مردم شهر کامیاران و خانواده های کمانگر بخصوص به فرزندان عزیزش شاه محمد، حبیب، فریده و محمد تسلیت می گویم. یادش گرامی باد. محمدامین کمانگر. ماه ۲۰۱۴

با کمال تأسف و تأثر فراوان، روز پنجشنبه گذشته خانم نقره کمانگر به علت سرطان ریه در شهر کامیاران جان خود را از دست داد، جا دارد که من اینجا، به این گفته بسیار زیبای خانم کمانگر اشاره نمایم. او هنگامی که خبر مرگ پسرش را می‌شنود، این جمله را بارها تکرار می‌کند: (مزی گیان، روله، تو بخاطر آزادی کوژیای) مظفر جان، فرزندم، تو بخاطر آزادی کشته شدی. این گفته مادرشرفی است، در زمانی که، خبر کشته شدن جگر گوشه اش را می‌شنود. مظفر کمانگر انسانی جسور و انقلابی در صفوف پیشمرگان کومه له در ۶.۲. سال ۱۳۶۳ در

مردم این فرصت را به رژیم اسلامی نخوانند داد/ عبدالکلیان

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

دو ابتکار مهم ...

شهرهای کردستان در محکومیت اعدام ۵۰ فعال سیاسی است.

مورد دوم، یکی از کودکان سرطانی در یک "دکلمه احساسی" آرزوهایش را این چنین بیان نمود: شنیدن حرف ترخیصی در بیمارستان، ندیدن گریه‌های مامانم، تلاش پدرم را برای خرید داروهای نینیم و دیگه موهام نریزه. سومین جشن تولد کودکان مبتلا به سرطان در استان کردستان بود.

خانواده‌ها با بی‌پاسخی نهادهای دولتی مواجه شده است. گرامیداشت اعدام ۵۰ فعال سیاسی در شهر سنندج پاسخ رادیکال و انقلابی شرکت کنندگان به نهادهای امنیتی - پلیسی جمهوری فاشیسم اسلامی است. برگزاری این مراسم ناکامی نهادهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در اعمال فضای سکوت و فضای ترس در شهرهای کردستان و سنندج است. روز ۲۳ اردیبهشت سالروز اعتصاب عمومی و پیروزمند مردم

مراسم با حضور کودکانی که اکثراً کلاهی بر سرشان بود و بدین وسیله سرهای بی موی خود را پوشانده بودند و نیز هنرمندان شخصیت‌های عروسکی در برنامه کودک شبکه استانی، برگزار شد. یکی از برگزارکنندگان مراسم و عضو انجمن خیریه حمایت از بیماران مبتلا به سرطان از تشکیل پرونده برای ۱۵۸ کودک سرطانی خبر داد و گفت: از سال ۸۵ که انجمن راه‌اندازی شد تاکنون ۳۰ کودک مبتلا به سرطان جان خود را از دست داده‌اند. ثریا لطیفی در گفتگو با خبرنگاری

در شهرهای کردستان اقدامات ابتکاری از جمله فستیوال کودکان و این مورد اخیر جشن کودکان سرطانی و ده‌ها مورد دیگر سنتی پایدار و توده‌ای است. این ابتکارات انسانی در ایجاد روحیه اتحاد، همبستگی انسانی و فضای اعتراض خیابانی بسیار موثر هستند. این اقدامات ابتکاری را باید گسترش داد. ایجاد این اقدامات و برگزاری فستیوال‌های خیابانی به روابط گرم و انسانی مردم و جامعه کمک خواهد کرد.

از صفحه ۱

اخبار هفتگی ...

طرفدار خود زده اند و سالانه میلیونها دلار صرف تشکل های زرد و کاغذی خود می کنند.

**به مناسبت چهارمین سالگرد
ترویر روزنامه نگار سردشت
عثمان در شهر اربیل مراسمی
برپا شد!**

در پنجم مه سال ۲۰۱۰ سردشت عثمان روزنامه نگار و دانشجوی دانشگاه صلاح الدین،

اتحادیه پزشکان کردستان می دانند. لازم به ذکر است که در طی ۲۳ سال حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق، اینها بارها و بارها با تهدید، فشار، زندان و در مواردی ترور و حمله نظامی مانع شکل گیری هر نوع تشکل مستقل و مترقی بوده اند، این در حالی است که خود اتحادیه مهیننی و حزب دمکرات هر یک دست به تشکیل انواع و اقسام تشکلهای زرد و

توسط عده ای مسلح در مقابل درب این دانشگاه بوده می شود و چندی بعد جنازه او در نزدیکیهای شهر موصل پیدا می شود.

به این مناسبت و در محکومیت عاملان این آدم ربائی و ترور، روز پنجم مه در سالن میدیای شهر اربیل مراسمی برگزار شد. در این مراسم ابتدا نمایشگاه عکسی از عکسهای سردشت عثمان نمایش داده شد و سپس فیلم مستند کوتاهی از زندگی، ربودن و کشتن سردشت عثمان به نمایش گذاشته

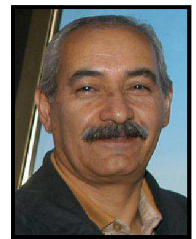
شد. در بخش دیگری از این مراسم پیام خانواده سه روزنامه نگار ترور شده سردشت عثمان، سورانی مامه حه مه و کاوه گرمیانی خوانده شد که در آن بشدت از حکومت اقلیم کردستان و سیستم قضای آن انتقاد شده بود و اعلام کردند که حکومت اقلیم کردستان بانی و باعث ربوده شدن، ترور و همچنین پیگیری نکردن پرونده روزنامه نگاران ترور شده هستند. در آخرین بخش این مراسم دومین جایزه نهاد سردشت عثمان به خانواده دو روزنامه نگار ترور شده دیگر سورانی مامه حمه و

کاوه گرمیانی اهدا شد. لازم به یاد آورست که چهار سال پیش و بعد از ربودن و کشتن سردشت عثمان، بسیاری بر این باور بودند که عامل این ترور نیروهای حزب دمکرات به رهبری مسعود بارزانی هستند، چرا که سردشت عثمان در بسیاری از نوشته های خود به انتقاد از بارزانی و خانواده اش پرداخته بود و بر سر این مسله بارها مورد تهدید قرار گرفته بود. *

مردم این فرصت را به رژیم اسلامی نخواهند داد

زیر بار آن نمی‌رود.

حسن روحانی، منظورش از آپارتاید هسته ای دست یابی تمام و کمال به سلاحهای کشتار جمعی نظیر دیگر کشورهایی است که این سلاحها را در اختیار دارند. بکارگیری عبارت فناوری هسته ای یا انرژی هسته ای فقط یک تعارف معتدانه از نوع شعارهای حسن روحانی است تا با بکار بردن این واژه ها نشان دهد که از آن استفاده "بشر دوستانه" می شود. در حال حاضر در



عبدل گلپریان

حسن روحانی، روز یکشنبه، ۲۱ اردیبهشت، اظهار داشت «آپارتاید هسته‌ای را نمی‌پذیرد و

ایران مردم از همین ادعاهای "صلح آمیز و بشر دوستانه" هم نه تنها محروم هستند بلکه به ابزاری مرگ آفرین برایشان تبدیل شده است.

جمهوری اسلامی از بدو ظهورش تا به امروز با بدون داشتن سلاح هسته‌ای عملاً نه تنها در ایران که آنرا به قتلگاهی برای شهروندان تبدیل کرده است بلکه در هر نقطه‌ای از جهان نیز با اجرای طرح، بمب گذاری، تروریسم دولتی،

ایجاد نا امنی در هر گوشه و کناری نظیر، سوریه، عراق، فلسطین، لبنان، کشورهای حوزه خلیج، بمب گذاری در بسیاری از کشورهای غربی و استفاده از انواع روشهای کشتار جمعی، بیش از سه دهه است که بمعنای واقعی کلمه جنایت علیه بشریت را بصورت سازمانیافته دارد پراتیک می کند تا بتواند از این راه به رفع آپارتاید هسته ای اش دست یابد.

تاریخا مردم در مناطق مختلف دنیا به اندازه کافی "مزه" "بشر

دوستانه" از سلاحهای هسته ای و اتمی که از سوی کشورها با اسامی عامه پسند، انرژی هسته ای و فناوری هسته ای از آن یاد می شود را چشیده اند. برای حسن روحانی رفع آپارتاید هسته ای تلاشی برای خروج رژیم اسلامی از بحران غیر قابل علاج سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اش با آرزوی دست یافتن به سلاح کشتار جمعی در خدمت به بقای نظام است. در انقلاب آتی ایران برای سرنگونی کل این نظام، مردم این فرصت را به رژیم اسلامی نخواهند داد. *

حزب کمونیست کارگری نماینده آرزوها و خواستههای پایمال شده مردم محروم است.

حزب کمونیست کارگری حزب میلیونها کارگری است که کار میکنند و خود از نعماتی که خود ساخته اند محرومند! حزب کمونیست کارگری صدای همه مردمی است که آرزوهای ساده و انسانی شان سرکوب شده است! این حزب صدای میلیونها کارگر و جوان و بیکاری است که بازار سرمایه آنها را وا زده است و اسیر بیکاری و فقر و محرومیت شده اند. صدای کودکان محروم شده از شادی و تحصیل، صدای زنانی که فقر و محرومیت آنها را به تن فروشی ناچار میکنند، صدای جوانانی که در اوان زندگی از شادی و رفاه و آزادی محروم میشوند. صدای آنهایی که اعدام شده اند و دیگر صدایی ندارند!

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید. دست در دست هم جامعه ای بسازیم که در آن اعدام و زندان معنایی نخواهد داشت. هیچ کسی از تحصیل و مسکن و دارو و درمان محروم نخواهد بود. آزادی بی قید و شرط است و همه مردم از طریق شوراهایشان قانون گزار و تصمیم گیرنده و اختیار دار جامعه خواهند بود. جامعه سوسیالیستی! که به تاریخ وحش و بهره کشی و جنایت و سرکوب اقلیت مفتخور مهر پایان خواهد کوید!

از صفحه ۱ تغییر سیاست پ.ک.ک ...

اخیرا پ.ک.ک و به دنبال آن از زبان پژاک هم اعلام شده است که دوران جنگ مسلحانه پایان یافته و دوران مذاکره و مصالحه است. کنگره ملی کرد هم قرار بود همین سیاست را رسمیت بدهد. پ.ک.ک اعلام کرده است که دوران ملیگرایی هم تمام شده است. سیاست استقلال کردستان و کردستان متحد و دولت کرد و ... هم تماما کنار گذاشته شده است. بازمانده در کردستان عراق هم رسماً اعلام کرده است که طرح فدرالیسم شکست خورده است. اکنون پ.ک.ک و پژاک رسماً اعلام کرده اند که هیچ شکل حکومتی مستقل از دولتهای سرکوبگر مردم کردستان را تعقیب نمیکنند. گفته اند در ترکیه، سوریه و ایران مردم کردستان حاضرند با همان حکومتهای موجود کنار بیایند و وارد مذاکره و معامله بشوند.

کاری که پ.ک.ک در ترکیه آنرا آغاز کرده است تلاش میکند پژاک هم در کردستان ایران آنرا عملی کند. اما متوجه نیستند که نه پ.ک.ک در کردستان ایران آن نقش را میتواند ایفا کند و نه پژاک اعتبار اجتماعی قابل توجهی در کردستان ایران دارد که با اعلام آمادگی برای مذاکره با جمهوری اسلامی کسی او را جدی قلمداد کند.

در این مطلب سعی میکنم برای آشنایی خوانندگانی که فرست و امکان اینرا نداشته اند سیاستهای این سازمان را تعقیب کنند اشاره ای مختصر به پیشینه و گذشته آن داشته باشم.

پ.ک.ک (حزب کارگران کردستان) اسم حزبی است که قبلاً کارگر برایش مهم بوده است. لاقلاً در حرف آنقدر مهم بوده که اسم خودش را این چنین تعیین کرده است. پ.ک.ک ابتدا با رویکردی شبیه چپ و تاکید بر اسم کارگر سیاستهای شدت ناسیونالیستی و میلیتانت را در پیش گرفت. این حزب با اتکا به جنگ مسلحانه و "قاطعیّت در مبارزه" با حکومت ترکیه چپ کردستان ترکیه را مقهور خود کرد. در ادامه این سیاست هر

فرد و سازمان غیر مطیع را از سر راه خود برداشت و باعث شد که فضای یکه تازی در میدان سیاست را برای خود فراهم کند و کرد.

سبک و سیاست پ.ک.ک در مقابل مخالفین خود در کردستان ترکیه افراطی تر و بیرحمانه تر از سبک و سیاست حزب بازمانی در مقابل مخالفینش در کردستان عراق بوده است. چنانچه در تاریخ ۳۵ ساله این حزب در کردستان ترکیه هیچ حزب و سازمان مخالفی امکان و توان اینرا پیدا نکرده است که بدون مزاحمت پ.ک.ک فعالیت کند.

پ.ک.ک با اتکا بر سیاست استقلال کردستان و اینکه چهار بخش کردستان باید یک دولت باشد و ... بقیه مخالفین را به سازش کار و تفرقه اندازی متهم میکرد. در همان حال یکی از افتخارات پ.ک.ک این بود که برخلاف دیگر احزاب ناسیونالیست کرد که هر کدام سرشان به یک دولت وصل بود آنها ادعا میکردند مستقل هستند و روی پای خود ایستاده و از دولتهای دشمن "کرد" کمک دریافت نمیکنند.

اما طولی نکشید که اوجلان در دمشق مستقر شد و با یکی از دولتهای سرکوبگر مردم کردستان در سوریه پیمان دوستی بست. خانواده اسد البته به دلیل رقابت منطقه ای با ترکیه امکاناتی در اختیار پ.ک.ک قرار دادند. در همان زمان همپیمانی دولت سوریه و جمهوری اسلامی باعث شد که جمهوری اسلامی هم امکاناتی در اختیار پ.ک.ک قرار بدهد. چنانچه در رضاییه و دیگر شهرهای غرب کشور، جمهوری اسلامی امکاناتی در اختیار پ.ک.ک قرار داد. قرارگاه رمضان ارگانی بود که سیاستهای جمهوری اسلامی را در قبال پ.ک.ک تنظیم و هدایت میکرد. این سیاست جمهوری اسلامی هم در رقابت با ترکیه و هم به دلیل تضعیف احزاب اپوزیسیون در کردستان ایران باعث شد چندسالی پ.ک.ک با دست باز در میان مردم کردستان به تبلیغ سیاستهای خود و نقد احزاب اپوزیسیون کردستان ایران مشغول

باشد.

در اواخر دهه ۹۰ میلادی پیمان نامه مشترک ایران، عراق، سوریه و ترکیه باعث شد که جمهوری اسلامی و دولت سوریه پشتیبانی خود از پ.ک.ک را قطع کنند. یکی از نتایج آن سیاست این بود که اوجلان را از دمشق اخراج کردند. جمهوری اسلامی هم مقرات و پایگاه های پشت جبهه پ.ک.ک در غرب کشور را ممنوع کرد و پ.ک.ک ناچار شد به قندیل نقل مکان کند و سرنوشت اوجلان هم این شد که در یک برنامه حساب شد دستگیر و تا کنون هم در زندان امرالی به سر میبرد.

پ.ک.ک این سیاست را خیانت به خود و نقض پیمان دوستی از جانب این دولتها قلمداد کرد و به تدارک انتقام جویی پرداخت. اما انتقام جویی او تنها هنگامی معنی عملی پیدا نمود که آمریکا به عراق و افغانستان لشکر کشی کرد. پ.ک.ک که تا این مقطع خود را یک سازمان ضد آمریکایی معرفی میکرد تحت تاثیر سیاستهای بوش که سوریه و ایران و عراق را سه محور شر اعلام کرده بود فرصت را غنیمت شمرد و به فکر سازمان دادن نیروهایی افتاد که بتوانند نیروهای خیری باشند که آمریکا برای ضربه زدن به نیروهای شر از آنها استفاده کند.

در چنین شرایطی بود که پ.ک.ک بلافاصله سازمانهایی را در کردستان سوریه و کردستان ایران علم کرد. در واقع افراد و اعضا خود را در سازمانهایی تحت عنوان احزاب کردستان سوریه و کردستان ایران اعلام کرد. پژاک یکی از محصولات این معادله در سال ۲۰۰۴ یعنی یک سال بعد از اشغال عراق و حضور پررنگ نیروهای نظامی آمریکا در منطقه بود. هدف اولیه پ.ک.ک از درست کردن پژاک این بود که در قدم اول آمادگی خود را به آمریکا نشان بدهد که میتواند برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی روی آنها حساب باز کند. همچنانکه در اشغال عراق از نیروها و امکانات پارتی و اتحادیه میهنی در کردستان عراق استفاده کرده بود.

هدف دیگر پ.ک.ک این بود که

اگر آمریکا از این نیرو استفاده نکرد، لاقلاً با این اهرم فشار بتواند جمهوری اسلامی را ناچار کند که با پ.ک.ک کنار بیاید.

اما با توجه به روند تحولات منطقه هیچ کدام از این دو شق عملی نشد. بنابر این جنگ پ.ک.ک و جمهوری اسلامی به نقطه ای رسید که ترکیه و جمهوری اسلامی تصمیم گرفتند کوههای قندیل را از حضور پ.ک.ک پاک کنند. از آغاز اجرای این طرح چند ماهی نگذشته بود که بحران سوریه آغاز شد و ترکیه در مقابل دوست دیرین و تنها همپیمان جمهوری اسلامی یعنی سوریه قرار گرفت.

جمهوری اسلامی حفظ بشار اسد در قدرت را به دوستیش با ترکیه ترجیح داد. زیرا رژیم اسد در سوریه هم رابطه دیرینه با جمهوری اسلامی داشت و رابطه گرم آنها به دوران جنگ ایران و عراق برمیگشت و هم دروازه مهمی که اسد و جمهوری اسلامی با حزبانله و حماس داشتند بعدی استراتژیک برای هر دو در منطقه داشت.

فاکتورهای فوق باعث شد که جمهوری اسلامی برای حفظ اسد در قدرت از اهرم پ.ک.ک علیه دولت ترکیه استفاده کند. در چنین شرایطی بود که قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس از طریق کردستان

عراق با پ.ک.ک ارتباط میگیرد. جمهوری اسلامی تلاش کرد جنگ پ.ک.ک یا همان پژاک را تمام کند و آنها را در مقابل ترکیه بکار گیرد. چنانچه گفته میشود قاسم سلیمانی را سا با پ.ک.ک توافق کرد که جنگ در مرزهای ایران را تمام کنند و حمله به پژاک متوقف بشود. در ازای این توافق قرار بود پ.ک.ک با قدرت بیشتری علیه دولت ترکیه وارد جنگ جدی تری بشود و جمهوری اسلامی هم در این راستا غیر مستقیم پ.ک.ک را کمک کند.

در نتیجه و برای خنثی کردن این سیاست جمهوری اسلامی و پ.ک.ک، اردوغان هم از طریق مقامات میت ترکیه وارد مذاکره با پ.ک.ک شد. در این پروسه نهایتاً اوجلان تصمیم آخر را گرفت و طبق میل دولت ترکیه یکطرفه آتش بس را اعلام کرد و قول داد که نیروهای مسلح پ.ک.ک از قندیل به کردستان عراق بروند و در آنجا خلع سلاح بشوند.

در ادامه این پروسه بود که اوضاع سوریه وارد مرحله حساسی شد و مانن اسد غیر ممکن به نظر میرسید. در چنین شرایطی با پا درمیانی جمهوری اسلامی اسد کردستان سوریه را تحویل سازمانی داد که پ.ک.ک قبلاً آنرا در کردستان سوریه درست کرده بود. ادامه دارد

سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماما خالی شده است. سالها است شمارشان کرده اند و هر وقت نخواسته اند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند. گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

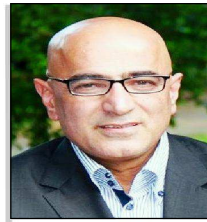
سرنوین یاد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!
زنده یاد سوسیالیسم!
زنده یاد حزب کمونیست کارگری!

از صفحه ۱

نگاه هفته

مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان

نسان نودینیان



مرگ کارگر مهاجر

خاورمیانه و سومین کارخانه جهان در نوع خود در حالی تعطیل می شود که بیکاری دهها کارگر را نیز به همراه می آورد.

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه

۱۵ اردیبهشت، جمعی از دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه در اعتراض به پایین بودن کیفیت غذا، مقابل سلف سرویس و ساختمان مرکزی این دانشگاه تجمع کردند. دانشجویان معترض خواستار پاسخگویی مسئولین دانشگاه رازی کرمانشاه در خصوص کمیت و کیفیت غذاهای سلف سرویس این دانشگاه شدند.

خودکشی

هاجر مجیدی ۳۵ ساله ساکن شهر بوکان از طریق حلق آویز نمودن با طناب دار اقدام به خودکشی کرد. هاجر دارای دو فرزند و ساکن محله میرآباد، کوچه "زاگرس" ۳ بوده است.

اعدام

در محوطه زندان کارون اهواز علی اسماعیلی فرزند محمد اعدام گردید. این زندانی ۵۳ ساله، متأهل و از اهالی شهر مهاباد است. وی توسط دادگاه انقلاب به "خرید و فروش مواد مخدر" متهم و حکم اعدام او از سوی رییس قوه قضاییه تنفیذ و جسدش به خانواده اسماعیلی تحویل داده شد. همزمان با اعدام علی اسماعیلی، هشت زندانی دیگر نیز به اتهام قاچاق مواد مخدر به دار آویخته شدند.

تراژدی انسانی سوء تغذیه

مشاور شرکت صنایع شیر ایران: هر سه روز یک بار به دلیل بیماری پوکی استخوان ۲۳۰ نفر معادل تلفات زلزله "ارسباران" جان خود را از دست می دهند که می توان با افزایش سرانه مصرف شیر به میزان

زیادی از این مرگ و میرها جلوگیری کرد. طبق آخرین آمار بانک مرکزی در دو سال نخست اجرای فاز نخست هدمفندی یارانهها مصرف مواد غذایی معادل ۱۸ درصد کاهش یافت. در بین مواد غذایی بیشترین کاهش مصرف با ۴۲ درصد مربوط به شیر و لبنیات بوده که در واقع این یک کاهش نبوده بلکه سقوط بوده است. طبق آمارهای رسمی بهداشتی هم اکنون دستکم به طور میانگین ۱۵۰ میلیون دندان پوسیده در دهان مردم ایران وجود دارد.

بیانیه کارگران سندج و کرمانشاه در مورد ادامه بازداشت جمیل محمدی و جعفر عظیم زاده

۱۷ اردیبهشت: از دوسال قبل ما کارگران در سراسر ایران با جمع آوری امضا در اعتراض به سطح دستمزدها خواهان افزایش مزد شدیم و تا به امروز که چهل هزار امضا به وزارت کار تحویل داده ایم و چندین بار نیز در محل مجلس و وزارت کار تجمع کرده ایم مصرانه بر خواست خود مبنی بر اجرای ماده ۴۱ قانون کار برای تعیین مزد هستیم. در این راستا تعداد شش نفر از کارگران و دوستان ما بعنوان هماهنگ کنندگان این طومار اعتراضی خواست و مطالبه چهل هزار کارگر امضا کننده و به طبع آن میلیونها کارگر خواهان افزایش مزد را نمایندگی کرده اند. اکنون دو نفر از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی در بازداشت به سر میبرند. جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی از شب دهم اردیبهشت ماه در منزل خویش دستگیر شده و تاکنون نیز در بازداشت وزارت اطلاعات هستند. این دوستان هیچ جرمی مرتکب نشده اند بجز اینکه از حق و مطالبه ما برای افزایش مزد در صف اول این اعتراض قرار داشته اند. مسئولین قضایی بجای رسیدگی به قانون شکنی های دولت در وزارت کار در زیر پا گذاشتن ماده ۴۱ قانون کار که عملاً میلیونها نفر خانواده کارگری را به فلاکت کشانده، کارگران را بخاطر حق خواهی و پیگیری مطالباتشان بازداشت و زندانی میکند و این نمونه آشکار ضدیت با کارگران است. ما کارگران امضا کننده طومار در شهرهای

سندج و کرمانشاه ضمن محکوم نمودن دستگیری و ادامه بازداشت دوستانمان اخطار میدهیم که هزاران کارگر امضا کننده طومار اعتراضی برای افزایش دستمزد از این عمل غیر انسانی وزارت اطلاعات و سیستم قضایی خشمگین بوده و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط این دوستان می باشیم و اعلام میکنیم چنانچه این دو تن از هماهنگ کنندگان طومار هرچه سریعتر آزاد نگردند خود را برای ابراز اعتراض محق میدانیم و عواقب ناشی از ادامه بازداشت این کارگران مستقیماً متوجه مسئولین قضایی و اطلاعاتی است. کارگران امضا کننده طومار اعتراضی در سندج و کرمانشاه. جمعی از کارگران اخراجی نساجی های کردستان، نساجی شاهو. نساجی پرسی

عوامفریبی کارفرمای شرکت سفز سازی ون کردستان

۱۷ اردیبهشت: بنا به گزارش رسیده کارفرمای شرکت سفز سازی ون کردستان در یک حرکت مزورانه و عوامفریبانه در روز جهانی کارگر و برای جلوگیری از تعطیلی کار در این روز توسط کارگران و برگزاری مراسم مستقل، کارگران را برای یک وعده غذا به هتل شادی شهر سندج دعوت نموده و در حین صرف نهار مراسم به اصطلاح روز جهانی کارگر را به راه انداخته است. در حالی که کارگران تحت این شرایط موفق نشده اند که مطالبات خود را در این روز مطرح نمایند. لازم به ذکر است که کارگران در این شرکت در شرایط سخت و زیان آوری مشغول به کار هستند و اکثراً دچار دیسک کمر شده و از ناراحتیهای تنفسی و عروقی و پوستی رنج می برند. کارفرمای شرکت مذکور کارگران را با قراردادهای یک الی سه ماهه استخدام می کند که راه هر گونه اعتراضی را بر کارگران بسته است و هر ساله تعداد زیادی از کارگران را به بهانه های مختلف از کار اخراج و بیکار می کند. کمیته هماهنگی ضمن محکوم کردن این حرکات ضد کارگری اعلام می دارد که اینگونه عوامفریبی ها نمی تواند کارگران را از پیگیری خواسته ها و مطالبات خود منحرف و منصرف نماید.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

محمود صالحی: اول ماه مه در شهر سفز چگونه برگزار شد.

بیش از یک قرن از انتخاب اول ماه مه به عنوان روز جهانی کارگر، توسط بین الملل کارگران می گذرد. در این روز، طبقه کارگر جهانی به شکل های مختلف و در شرایط اجتماعی و سیاسی متفاوت، ابراز وجود نموده و مطالبات طبقاتی خود را در جامعه طرح و نظام نابرابر سرمایه داری را به چالش کشیده است. اگر چه این طبقه، دوره ای «جنبش هشت ساعت کار» را سازماندهی کرد و زمانی برعلیه فقر و بیکاری ناشی از بحرانهای ادواری سیستم سرمایه داری به پا خاسته و در دوره ای دیگر، با شعار «صلح» در مقابل جنگ امپریالیستی می ایستد و «شوراها» را برای اداره امور کشور ایجاد می کند؛ اما در تمام این دورانها و اوضاع سیاسی متفاوت، اول ماه مه یک روز معین تاریخی برای بیان خواستهها و نقد و افشا و به محاکمه کشیدن سرمایه داری و حکومت های حامی سرمایه بوده است.

کارگران ایران نیز در چندین دهه گذشته، به هر شکلی که توانسته اند اول ماه مه را گرامی داشته و در این روز مطالبات طبقاتی خود را در قطعنامههایشان، طرح کرده اند. از همان سال های اول قرن بیستم و بازگشت کارگران مهاجر ایرانی از آسیای میانه و روسیه، و ورود اندیشه های سوسیالیستی و رادیکال کارگری، فکر برپایی روز جهانی کارگر را نیز با خود آوردند. به تدریج در سال های متوالی و با توجه به توازن قوا، کارگران در این روز اقدام به بیان خواسته های خود می کردند. چه آن هنگام که کارگران در دهه ۲۰ خورشیدی تشکل های قدرتمند خود را ایجاد کردند و چه در فردای انقلاب ۵۷ که طبقه کارگر در آن نقش مهمی ایفا کرد، برگزاری مراسم اول ماه مه جز جدایی ناپذیر حرکت اجتماعی این طبقه بوده است.

از صفحه ۴

نگاه هفته...

طبقه کارگر در کردستان ایران نیز، در سه دهه گذشته از نظر کمی و کیفی و آگاهی طبقاتی، رشد و پیشرفت چشم گیری داشته است. این امر سبب شد که اول ماه مه، به یکی از رکن‌های مهم مبارزات کارگری در این منطقه تبدیل شود. کارگران و فعالین کارگری شهرهای کردستان برای برگزاری این مراسم، متحمل هزینه های فراوانی شده اند. احضار، بازداشت، محاکمه، شلاق، زندان و حتی اعدام برای افرادی، هم چون «جمال چراغ ویسی»، جز لاینفک و کارنامه مبارزه طبقاتی کارگران در کردستان بوده است. با توجه به این شرایط، کارگران سقز نیز در سال های اخیر تلاش های فراوانی برای برگزاری اول ماه مه کرده اند. کارگران هر سال از ماه ها قبل، به استقبال این روز رفته و جنب و جوش زیادی در بین آنها به وجود می آید و سعی می کنند تا این مراسم ها را همراه با دیگر افشار و صنف های کارگر و زحمتکش هرچه با شکوه تر برگزار کنند. بر این اساس، از اوایل فروردین تا آخر اردیبهشت، کارگران و فعالین کارگری تحت نظر نیروهای امنیتی قرار می گیرند و با ارباب و تهدید مواجه می شوند که اقدام به برگزاری روز جهانی کارگر نکنند.

مقامات امنیتی و قضایی و اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی و تشکل های ثبت شده و عوامل آنها، همواره تلاش می کنند که در برابر حرکت رادیکال و انقلابی کارگران، مانع ایجاد کنند این تلاش های ضد کارگری بعد از سال ۱۳۶۰ شدت گرفته و تا امروز هم با اشکال مختلف ادامه داشته و دارد. اما کارگران رادیکال و انقلابی شهر سقز، هیچ وقت در مقابل آن همه سرکوب و فشاری که از سوی کارفرمایان کارگر نما و حامیان آنان صورت گرفته، عقب ننشسته و هر سال با برپایی مراسم های روز جهانی کارگر این روز را گرمی داشته و می دارند. اول ماه مه امسال مصادف بود با دهمین سالگرد حمله نیروهای امنیتی و انتظامی به صفوف کارگران شهر سقز در سال ۱۳۸۳ که در آن سال، ده ها نفر کارگر به اتهام برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در خیابان دستگیر و روانه زندان شدند.

کارگران شهر سقز امسال هم عزم خود را جزم کردند که با اتکا به نیروی خود کارگران، مراسم را در میدان جمهوری (هلو) برگزار کنند. اگر در سال ۱۳۸۳ مراسم اول ماه مه را در پارک کودک به یاد و خاطره اولین تظاهرات کارگران شهر سقز که توسط سندیکای کارگران خباز در سال ۱۳۵۸ سازماندهی شده بود، تعیین کردند.

امسال کارگران سقز تصمیم گرفتند که محل مراسم روز جهانی کارگر را در پرجمعیت ترین نقاط شهر سقز (میدان هلو) تعیین کنند. کارگران شهر سقز چند هفته مانده به اول ماه مه در چند نشست که در رابطه با اول ماه مه برگزار کردند. مصوب کردند که مراسم روز جهانی کارگر را در میدان هلو برگزار می کنند، حتی اگر همگی کشته شوند. این تصمیم به تصویب اکثریت کارگران رسید، اما در مقابل این تصمیم یک عده از کارگران پیشنهاد دادند تا درخواست مجوز کنند. پیشنهاد آن دسته از کارگران به آرای جمعی گذاشته شد. اما پیشنهاد فوق رای نیابرد و قرار شد بدون اینکه درخواست مجوز کنند، در میدان هلو مراسم روز خود را برگزار کنند. هر چند در قانون کار ماده ۶۳ آمده است که روز جهانی کارگر تعطیل رسمی است و کارگران می توانند روز خود را برگزار کنند. اما در شهر سقز این مسئولان حکومتی هستند که با مجوز مراسم روز جهانی کارگر را برگزار می کنند. حتی امسال اجازه ندادند تا آن مراسم های دولتی هم برگزار شود.

بر اساس این تصمیمات، چند روز مانده به اول ماه مه کارگران سقز اقدام به تدوین یک قطعنامه ۱۸ ماده ای کردند و در آن قطعنامه اکثریت خواست و مطالبات خود را رو به جامعه سرمایه داری اعلام کردند. (یکی دیگر از فعالیت کارگران سقز در آن ایام این بود که برای کارگران شهر اس ام اس ارسال کنند. بنا به گفته کارگران در این روز، هزاران اس ام اس برای کارگران و فعالان کارگری ارسال شد بود که در آن اس ام اس ها از کارگران و خانواده آنان دعوت به عمل آمده بود

تا در تجمعی که به مناسبت روز جهانی کارگر در ساعت ۷ بعدازظهر روز پنج شنبه مورخ ۱۱/۲/۹۳ در میدان هلو برگزار می گردد، شرکت کنند.

کارگران بعد از مصوب شدن قطعنامه موافقت کردند که قطعنامه ۱۸ ماده ای را در جامعه و دنیای مجازی انتشار علنی دهند و مصوب شد که در چند روز مانده به اول ماه مه هیچ کس به تلفن های ناشناس جواب ندهد و اگر احضار هم شدند کسی جواب مثبت ندهد. ماموران امنیتی و لباس شخصی که هیت آنان برای هیچ شهروندی مشخص نیست به تکاپو افتادند و به تعقیب و کنترل کارگران پرداختند. منزل ما، از ساعت ۱۲ شب روز چهارشنبه مورخ ۱۰/۲/۹۳ توسط نیروهای لباس شخصی تحت کنترل قرار گرفت و هرگونه ورود و خروج را زیر نظر داشتند. اول ماه مه فرا رسید و ساعت ۷ صبح، از خواب بیدار شدم و طبق سنت سال های گذشته به کارگاه شیرینی پزی که در محله ما قرار دارد، مراجعه کردم و چند کیلو شیرینی برای چند کارگاه خبازی واقع در محله شهناز خریداری کردم و به منزل برگشتم. در طول راه نیروهای امنیتی من را همراهی می کردند، به شکلی که هر رهگدزی را به واکنش و می داشت.

ساعت ۹ صبح، سیدعلی حسینی به منزل ما آمد. من و نجیبه (شریک زندگی ام) هم در تدارک آن بودیم که به مغازه های خبازی جهت شاد باش به کارگران مراجعه کنیم. ما از درب منزل که خارج شدیم چند نفر لباس شخصی که می دانستند ما به کارگاه های خبازی مراجعه می کنیم، قبل از ما خودشان را به آن کارگاه ها رسانده و به کارگران هشدار می دادند که با محمود صالحی و چند نفر همراه او صحبت نکنند و شیرینی و گل را از ان تحویل نگیرند. ما بدون توجه به تعقیب و کنترل از سوی نیروهای لباس شخصی کار خود را انجام دادیم؛ کارگران به گرمی از ما استقبال کردند و اظهار نمودند که باید مراسم روز کارگر را به هر شکل ممکن برگزار کنیم. ساعت ۵ بعدازظهر، شهر سقز مثل یک بشکه باروت شده بود که هر لحظه انتظار

انفجار آن می رفت. مردم شهر، از تجمع این همه نیروی انتظامی و لباس شخصی در میادین شهر تعجب می کردند و هر کسی در این مورد برای خود تحلیلی می کرد.

نیروهای انتظامی و لباس شخصی که تا دندان مسلح بودند کلیه خیابان ها و چهارراه ها را به کنترل خود درآورده بودند. به شکلی که به مردم و کارگران هشدار می دادند که اگر اقدام به برگزاری مراسم اول ماه مه کنید، مورد حمله قرار خواهید گرفت. شخص خودم وقتی آن آرایش نظامی نیروهای امنیتی و انتظامی را دیدم یک لحظه خیال کردم که به فلسطین آدمم و نیروهای اسرائیلی در مقابل مردم محروم فلسطین صف آرایی کرده اند. هرچه به ساعت ۷ غروب نزدیک می شدیم، کارگران تنها یا با خانواده و یا در جمع های چند نفره به میدان جمهوری (هلو) وارد می شدند. آن ها به محض ورود به میدان، با دیواری از نیروی انتظامی مواجه می شدند که تا دندان مسلح بودند. ما هم خانوادگی ساعت شش و سی دقیقه بعدازظهر از منزل خارج شدیم و راهی میدان هلو شدیم. نیروهایی که منزل ما را تحت نظر داشتند به دنبال ما راه افتادند. آن ها مرتباً تماس می گرفتند و به مقامات بالاتر خود پیغام می دادند که کیبوتر از آشیانه پرید و... هنگامی که ما به میدان امام (برگراژ) رسیدیم با نیروهای نظامی زیادی مواجه شدیم. هر چند ما به طرف میدان جمهوری نزدیک تر می شدیم تجمع نیروهای امنیتی هم زیادتر می شدند. کارگرانی که به همراه خانواده های خود وارد میدان می شدند در گوشه ای از میدان منتظر می ماندند تا همه جمع شوند.

ما به میدان هلو رسیدیم به محض رسیدن ما به میدان، نیروهای امنیتی که تازه به شهر سقز آمده بودند و ما را نمی شناختند، از نیروهای امنیتی بومی می خواستند که ما را به آن ها معرفی کنند. نیروهای بومی که اهل و ساکن سقز هستند با چشمان از حدقه در رفته ما را به نیروهای تازه وارد معرفی می کردند و آنان هم با اسلحه و باتوم های خود، که به کمرشان بسته بودند ما را تهدید می کردند.

از سوی دیگر، کارگرانی که در میدان حضور داشتند بدون اعتنا به نیروهای انتظامی و لباس شخصی به هم دیگر تیریک می گفتند و با خنده و شوخی یا همدیگر گفتگو می کردند. به این ترتیب، در میدان جمهوری (هلو) سقز، دو نیرو در مقابل همدیگر ایستاده و هر کدام منتظر یک جرقه بودند: از یک سو، مشتت نیروی انتظامی و لباس شخصی که با تمام تجهیزات نظامی و آدم کشی ایستاده بودند که هر لحظه آماده دستور فرماندهانشان بودند تا به سوی ما کارگران شلیک کنند؛ و در سوی دیگر، صدها نفر کارگر و خانواده آن ها و محرومان جامعه، محکم و استوار ایستاده بودند که جز شیرینی و شکلات هیچ گونه امکاناتی برای مقابله با این نیروی عظیم تا دندان مسلح که در مقابل آنان صف آرایی کرده بودند در اختیار نداشتند.

بلی امروز روز جهانی کارگر، میدان هلو سقز، شاهد صف آرایی صدها نفر از نیروهای حافظ سرمایه و کارفرمایان در مقابل نیروی کار و رنج بودند که هر لحظه آماده بودند تا از منافع طبقاتی خود دفاع کنند. نیروی کار با لبخند و با شادباش گفتن به هم طبقه های خود در جلو داروخانه دکتر اسماعیلی تجمع کرده بودند. نیروهای لباس شخصی و انتظامی با نگاه های خشمگین و عبوس و با تیز کردن دندان های خود، به کارگران تذکر می دادند که هر گونه تحرك شان برابر است با مرگ.

این صحنه برای مردم شهر که در ان مسیر در حال عبور بودند قابل تحسین بود که چطور کارگران شهر در مقابل این همه نیرو ایستاده و از روز خود دفاع می کنند. به همین دلیل مردم شهر و جوانان هم از ما حمایت کردند و به ما شاد باش می گفتند. کارگران شهر در این روز، به فراخوان هم طبقه های خود پاسخ مثبت داده بودند و هر لحظه به تجمع شان اضافه می شد به شکلی که فرمانده نیروهای لباس شخصی، توان دیدن آن لحظه ها را نداشت و به ناچار به طرف جمعی از کارگران آمد که من هم (محمود صالحی) در میان آن دسته از کارگران بودم.

نگاه هفته...

از صفحه ۵

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:
Sweden
Post Giro: 6396060-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
4900
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: 843920026913

هلند:
Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 151350248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:
Bank of America
G Street, Blaine, Wa 98230277
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99-41581083
wire: ABA routing # 026009593
Nrsswift code : B0FAUS

شماره حساب انگلیس
ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981
BIC: NWBK GB 2L

در زمینه کمک مالی چنانچه سوالی داشته باشید
میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از ایران:

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

عبدل کلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

مورد استقبال کارگران و مردم حاضر در آن منطقه قرار گرفت. تجمع کنندگان مراسم روز جهانی کارگر در شهر سقز، بعد از يك و نیم ساعت، یعنی در ساعت ۸/۳۰ دقیقه شب با پخش شیرینی و شکلات در میان شور و شوق حاضران به شکل راهپیمایی به طرف میدان امام (برگاراژ) حرکت کردند و در آن نقطه پایان تجمع و راهپیمایی را اعلام نمودند. قابل ذکر است که نیروهای لباس شخصی در طول این تجمعات و راهپیمایی مرتباً با چند دستگاه دوربین از ما کارگران فیلم برداری می کردند.

این جا لازم می بینم که بنده به عنوان يك کارگر که سال ها در محل کار و زیست با شما کارگران سقز زندگی کرده ام از شما عزیزان برای شرکت در مراسم اول ماه مه روز جهانی کارگر تشکر کنم و امیدوارم که در سال های آینده بتوانیم با اتکا به نیروی خود تمام خواست و مطالبات خود را به کارفرمایان و دولت حامی آنان تحمیل کنیم. به این ترتیب، کارگران سقز عزم خود را جزم کرده بودند که در هر شرایطی، مراسم روز کارگر خود را برگزار کنند. تصمیم بر آن بود که اگر نیروهای انتظامی و لباس شخصی به صفوف کارگران حمله کردند، يك نفر عقب نشینی نکنند و با عزم راسخ به برگزاری تجمعات خود ادامه دهند. به این شکل، مراسم روز جهانی کارگر در میان شدیدترین تدابیر امنیتی در شهر سقز برگزار شد. محمود صالحی مورخ ۱۷/۲/۹۳

مناسبت این روز تجمع کردیم و هیچ گونه جرمی هم مرتکب نشدیم تا این محل را ترك کنیم و...

ما هم به طرف آنان رفتیم و سید علی حسینی را از دست آنان گرفتیم و بالاتر از آزمایشگاه مهر تجمع کردیم. بعد از ۱۵ دقیقه تجمع در آن محل، به طرف بازار بالا حرکت کردیم و از بازار بالا به طرف خیابان فخر رازی رفتیم و در آن محل (میدان کارگران ساختمانی) تجمع دیگری برگزار نمودیم. من در این میدان، برای کارگر ساختمانی و مردمی که در آن حضور داشتند سخنانی ایراد کردم. نیروهای انتظامی و لباس شخصی، همواره ما را تعقیب می کردند و مرتباً با گوشی های خود به مقامات بالاترشان پیام می داند که کارگران تجمع کرده اند سریع نیرو بفرستید... تجمع کنندگان به شکل راهپیمایی از راسته بازار اردلان گذشتند و در مقابل سینمای انصاری تجمع کردند. در این جا نیز من يك بار دیگر در مورد روز جهانی کارگر و تهدید نیروهای لباس شخصی و انتظامی برای تجمع کنندگان صحبت کردم.

بعد از ۱۵ دقیقه، تجمع کنندگان به شکل راهپیمایی به طرف میدان هلو برگشتند و این بار در مقابل پاساژ آدمی تجمع نمودند و در این تجمع، شرکت کنندگان با موبایل های خود سرود اول ماه مه که توسط کریم احمدی (کریم قلاگاه) دیکلمه شده بود برای حضار و شرکت کنندگان پخش کردند که

فرمانده نیروی لباس شخصی: آقای صالحی لطفاً تجمع نکنید. برای چی ما که مزاحم کسی نشدیم؟ آقای صالحی لطفاً تجمع نکنید. جناب یعنی چه، ما که جرمی مرتکب نشدیم. آقای صالحی با من بحث نکنید، لطفاً بروید. ما جایی نمی رویم. ما که این جا ایستاده ایم برای کسی مزاحمت و یا جرمی مرتکب نشدیم. این بار فرمانده نیروهای لباس شخصی رو به مردمی کرد که همگی نظاره گر این صحبت های مابین من و او بودند. فرمانده: شما مردم چرا این جا ایستاده اید سریع این محل را ترك کنید و تجمع نکنید. او این جمله را ده ها بار تکرار کرد. اما کسی به صحبت های ایشان گوش نکرد و کارگران محکم بر جای شان ایستاده بودند.

در این اثنا، کارگران تصمیم گرفتند که به شکل راهپیمایی به طرف مسجد جامعه حرکت کنند. همگی کارگران در يك صف منسجم به طرف سه راه جامعه حرکت کردند و در سه راه جامعه، به مدت ۵ دقیقه در مورد اول ماه مه صحبت کردیم و نیروهای لباس شخصی و انتظامی بدون این که دخالت کنند از تجمع کنندگان فیلم برداری می کردند. کارگران، به طرف میدان هلو آمدند و ماموران لباس شخصی سیدعلی حسینی را احضار کردند و چند نفر از مامورین ایشان را در محاصره خود گرفتند. از سیدعلی می خواستند که این جا را ترك کند. سیدعلی هم در جواب می گفت: امروز روز جهانی کارگر است و ما به

صفحه بندی: فرزام کرباسی

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزام کرباسی

E- mail: farzam.karbasi@gmail.com

اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!